



ناسیونالیسم؛ از حرف تا عمل / رویکردهای ناسیونالیستی در سده اخیر

حجت الاسلام داود مهدوی زادگان گفت: هر گونه رویکرد ناسیونالیستی که واجد رویکردهای عاریتی، واگرایانه، احساسی، فردگرایانه و... باشد از نا کارآمدی عملی و بلکه عدم مشروعیت نظری رنج می برد.

حجت الاسلام داود مهدوی زادگان گفت: هر گونه رویکرد ناسیونالیستی که واجد رویکردهای عاریتی، واگرایانه، احساسی، فردگرایانه و... باشد از نا کارآمدی عملی و بلکه عدم مشروعیت نظری رنج می برد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر سخنرانی حجت الاسلام داود مهدوی زادگان عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در نشست ناسیونالیسم ایرانی: نگاهی به روایت های کلاسیک متقدم و متاخر است که در ادامه می خوانید؛

۱. انسان، آنگاه که خود را جدی می گیرد، به پرسش از چیستی و کیستی خود می اندیشد و پاسخی که به این پرسش می دهد، همان تعریف و هویت شخصی است. و همچنین، آنگاه که خود را درون اجتماعی از انسان ها می بیند، به تعریف جدیدتری دست می یابد که فقط خود را شامل نمی شود بلکه تعریف جدید به اعتبار همان مجموعه ای است که او در آن جای دارد. آن تعریف، هویت جمعی است. اگر هویت جمعی را در مقیاسی وسیع و عام، ولی قابل تمیز از غیر، لحاظ کنیم مفهوم « ملت » شکل می گیرد. ملت، مجموعه ی به هم پیوسته ای از انسان ها است که بر پایه سلسله ای از امور مشترک پدید می آید. این امور مشترک، سیال است و در هر دوره و مکانی پدید می آید و اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد. امر مشترک هم هر چیزی می تواند باشد. مفهوم ملت با تبدل امور مشترک، باز تولید می شود و معنای جدیدی پیدا می کند. تعصبی که افراد این مجموعه به هویت جمعی یا ملت خویش دارند، مفهوم « ملیت » را می سازد. ملی گرایی، تعلق خاطری است که افراد جامعه به هویت ملی خود پیدا می کنند.

۲. اروپاییان از این نوع جمع گرایی ملی یا ملی گرایی با عنوان « ناسیونالیسم » یاد کرده اند و پیرامون آن، مجموعه گسترده ای از مباحث نظری در موافقت یا مخالفت با آن به راه انداخته اند. از جمله اینکه ملت بر پایه کدام دسته از امور مشترک تعریف می شود. به عبارت دیگر، ملیت هر فرد به چیست و باید این تعلق خاطر و عصیت را معطوف به چه امر مشترکی کنیم. آنان این مساله را نیز طرح کرده اند که اساساً ملیت و هویت ملی، مفهوم جدیدی است که از خرد ورزی خود بنیادانه پدید آمده است. با وصف این، ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود، العبر، بحث عصیت جمعی را پیش کشیده است. دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه درباره مرزداران است. امام سجاد علیه السلام از خداوند می خواهد که به عزّت خود مرزهای مسلمانان را استوار دارد و پاسداران مرزها را به قوّت خود تقویت کند (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَصِّنْ نُغُورَ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ، وَ أَيْدِ حُمَاتِهَا بِقُوَّتِكَ).

۳. به هر روی، در ایران معاصر (از مشروطیت به این سو) موج جدیدی از ملت خواهی، ملی گرایی و گرایشات ناسیونالیستی، همچون دیگر نقاط جهان، به راه افتاده است. افراد و گروه های زیادی دعوی ملیت ایرانی و ملی گرایی را دارند. اما آیا چنین دعوی تا چه اندازه می تواند با واقعیت مطابقت داشته باشد ؟ این پرسش، وقتی جدی تر می شود که برخی از دعاوی ملی گرایی، جریانات و گروه های رقیب را به ضدیت با ملیت ایرانی متهم می کنند و خود را پیشتاز هوا خواهی ملت ایران می دانند ؟ پس، پرسش اساسی در محک ناسیونالیسم و ملی گرایی است. مسلماً مقصود از این سنجش، محک فلسفی نیست. زیرا سنجش فلسفی مربوط به ساحت تصور و تصدیق موضوع ملیت است. در چنین ساحتی، اگر تعریف ارایه شده ملیت از تناقضات درونی در امان مانده باشد؛ مشکل نظری پیش نمی آید. پس، مقصود محک عملی دعاوی ملی گرایی است. پرسش این است که با شکل گیری تجربه های ملی گرایانه، کدام تجربه موفق بوده است؟ فرض ما بر این اصل استوار است که نه هر کس یا گروهی که در لسان، دعوی ملی گرایی را ندارد، لزوماً ضد ملت است و نه هر کس یا گروهی که به زبان دعوی ملی گرایی را دارد، لزوماً هوا خواه ملت است. به عبارت دیگر، می توان گفت که میان ملی گرایی یا ناسیونالیسم، از حرف تا عمل فاصله زیادی است. مسلماً آن تعریف و تفسیری از ملیت موفق تر است که این فاصله حرف تا عمل را به حداقل بلکه به صفر برساند. در واقع، ضرورت دارد نظریه های ناسیونالیستی، علاوه بر سنجش نظری به محک عملی هم در آید.

۴. بر این اساس، در یک دسته بندی کلی، رویکرد های ناسیونالیستی یا هوا خواه ملت در سده اخیر ایران را می توان در سه گفتمان اصلی زیر جمع بندی کرد:

۱. گفتمان ملت خواهی اسلامی

۲. گفتمان ناسیونالیسم باستان گرا

۳. گفتمان ناسیونالیسم غرب گرا

۵. طبیعی است که برای سنجش کارآمدی هر یک از این سه رویکرد، به تعیین ملاکات ارزیابی عملی نیاز است. اجمالاً می توان گفت که هر گونه رویکرد ناسیونالیستی که واجد همه یا برخی از ویژگی های زیر باشد؛ از نا کارآمدی عملی و بلکه عدم مشروعیت نظری رنج می برد:

(۱) واگرایانه؛ ملی گرایی که در جهت گسیختگی اجتماعی عمل می کند.

(۲) عاریتی؛ ناسیونالیسمی که اصالت ندارد و به افتخارات هویت های ملی غیر همسو، مباهات می کند. (۳) وابسته و پیرو؛ ملی گرایی که خود ذیل ملی گرایی های متجاوز تعریف می کند.

(۴) احساسی محض و غیر عقلانی؛ ملی گرایی که کاملاً عاطفی و احساسی عمل می کند و از هر گونه عنصر خرد ورزی بی بهره است.

(۵) غیر تکثر گرا؛ ملی گرایی که از تکثر گرایی حداقلی برخوردار است.

(۶) غیر مسئولانه؛ ناسیونالیسمی که با پیامدهای تصمیمات و توافقات خود، مسئولانه رفتار نمی کند.

(۷) فاقد غیریت؛ ملی گرایی که فاقد عصبیت برابر دشمنان ملت است.

(۸) فرد گرایانه ؛ ناسیونالیسمی که بر منافع فرد در مقابل منافع ملی تاکید می ورزد.

(۹) غیر حماسی؛ ملی گرایی که شجاعت حضور مشفقانه و دلسوزانه به هنگام وقوع سختی ها و شدايد سیاسی و اجتماعی ملت را ندارد و همواره سیاست سازش و تسلیم را بر سیاست مقاومت مقدم می کند. .

(۱۰) خود شماتت گر؛ ناسیونالیستی که همواره ملت را مورد شماتت قرار می دهد و نه دیگری.

جمع بندی : با توجه به ویژگی های نا کارآمدی یاد شده، از بررسی کارنامه عملی سه گفتمان ملیت خواهانه اسلامی و ناسیونالیسم باستان گرا و ناسیونالیسم غرب گرا در سده اخیر ایران، می توان چنین نتیجه گرفت که ملت خواهی اسلامی در پرهیز از ویژگی های بالا موفق تر عمل کرده است. در مقابل، همه یا برخی از ویژگی های بالا را می توان در آن دو گفتمان سراغ گرفت.